



طلاق در کانادا

کد مطلب: ۳۹۴۶ - تاریخ انتشار: چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۴۰

امیر فیروزی راد

کانادا یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای جهان است، با سطح رفاه اجتماعی بسیار بالا. البته با وجود این شرایط در این کشور تقریباً از هر سه ازدواج یکی به طلاق می‌انجامد.

کانادا دومین کشور وسیع جهان با ۰۷۶۴۸۹۹ کیلومتر مربع مساحت در حدود ۳۴ میلیون و ۶۳۳ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است. پایتخت این کشور، اونتاریو و سیستم سیاسی آن دموکراسی پارلمانی فدراتیو تحت مشروطه پرنسس الیزابت دوم است. تولید ناخالص داخلی این کشور ثروتمند در سال ۰۱۰۲ میلادی بالغ بر ۰۳۳/۱ تریلیون دلار بوده است. از نظر تقسیم‌بندی کشوری، کانادا به ۰۱ ایالت و سه منطقه تقسیم شده است.

فرانسوی و انگلیسی دو زبان رسمی این کشور هستند؛ کشوری که در رتبه‌بندی استاندارد زندگی معمولاً جایگاه بالایی را به خود اختصاص می‌دهد.

آمار طلاق در کانادا

آمار طلاق در کانادا ۴۴ درصد است، یعنی بیش از یک مورد از هر سه ازدواج به طلاق می‌انجامد. این رقم طلاق در میان کشورهای توسعه‌یافته رقمی متوسط و حتی پایین محسوب می‌شود.

آمار طلاق در کانادا طی سال‌های اخیر به آرامی کاهش پیدا کرده است و انتظار می‌رود این روند در آینده هم ادامه داشته باشد. هرچند با برنامه‌های صرفه‌جویی اقتصادی دولت از سال ۲۰۰۸ آمار طلاق در سطح کشوری و فدرال جمع‌آوری نمی‌شود و تنها ایالت‌ها و دفاتر محلی آمار ایالت و منطقه خود را گردآوری می‌کنند. در سال ۲۰۰۸ در کانادا ۱/۴۳ درصد از ازدواج‌ها پیش از ۵۰ سالگی زوجین به طلاق می‌انجامید. به طور کلی در کانادا آمار طلاق در چهار سال ازدواج بیش از سایر دوره‌هاست و البته طلاق در افراد بالاتر از ۵۰ سال به‌ندرت اتفاق می‌افتد.

آمار افراد بالغ که در شرایط طلاق زندگی می‌کنند طی دهه‌های ۷۰ تا ۸۰ میلادی رشد داشته و در بالاترین رقم خود در سال ۱۹۸۸ به ۱۵ درصد کل جمعیت بالغ کشور رسید. اما این رقم از این سال به بعد به‌تدریج کاهش داشته است. بر اساس آماری که توسط اداره منابع انسانی و توسعه مهارت‌های کانادا منتشر شده است، آمار افرادی که ازدواج کرده و با هم زندگی می‌کنند، از ۶۸ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ رسیده است. همچنین در سال ۱۹۸۷ بالاترین آمار تعداد طلاق در یک سال در تاریخ کانادا با ۹۶۰۰۰ مورد به ثبت رسیده است.

از نظر طلاق، به تفکیک ایالت‌های کانادا؛ کبک، آلبرتا، بریتیش کلمبیا و یوکن بالاترین آمار طلاق را دارند و ایالت‌هایی چون نیوفاندلند، لبادور و ساش کچوان، پایین‌ترین آمار طلاق را به خود اختصاص دادند. در سال ۲۰۰۲ کبک، آلبرتا، بریتیش کلمبیا و یوکن به ترتیب نرخ طلاق ۶/۴۷، ۹/۴۱، ۴۱ و ۴/۴۳ درصدی داشتند. در حالی که نرخ طلاق در این سال در نیوفاندلند و لبادور ۸/۲۱ درصد بوده است.

علت این تفاوت در آمار طلاق این ایالت‌ها در محافظه‌کارتر بودن ایالتی چون نیوفاندلند، لبادور و ساش کچوان در مقایسه با ایالت‌های لیبرال‌تری چون آلبرتا و بریتیش کلمبیاست. همچنین بالاتر بودن سطح تحصیلات، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در چهار ایالت با آمار بالای طلاق نسبت به سه ایالت دیگر از دلایل این تفاوت آماری است.

حدود ۷۵ درصد از مردان و ۶۵ درصد از زنانی که طلاق می‌گیرند، دوباره ازدواج می‌کنند. احتمال ازدواج مجدد در میان افراد جوان‌تر و مردان بیشتر است. درحالی که آمار ازدواج‌های به طلاق کشیده در کانادا یکی از هر سه مورد است، تعداد طلاق‌ها در ازدواج‌های مجدد تا حدودی بالاتر است.

نظر مردم کانادا در مورد طلاق

بر اساس نظرسنجی سال ۲۰۱۱ موسسه معتبر گالوپ، ۷۸ درصد کانادایی‌ها طلاق را از نظر اخلاقی عملی قابل پذیرش دانسته‌اند، در حالی که این آمار برای آمریکایی‌ها ۶۶ درصد و برای بریتانیایی‌ها ۸۲ درصد است. در مقابل این عده، ۱۸ درصد کانادایی‌ها طلاق را از نظر اخلاقی عملی نادرست می‌دانند. این آمار برای آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها به ترتیب ۲۶ و ۱۱ درصد است. آمار طلاق در آمریکا و بریتانیا به هم نزدیک است، اما جالب است که آمار طلاق در آمریکا نسبت به همسایه شمالی‌اش بالاتر است، درحالی که عقاید مردم آمریکا در همین نظرسنجی محافظه‌کارانه‌تر از کانادایی‌هاست. به عنوان مثال، آمار طلاق در کانادا در سال

۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ به ترتیب ۳/۲ و ۲/۲ درصد بود، در حالی که این رقم در همین سال برای آمریکا ۴ و ۷/۳ درصد بود. این آمارها کانادا را در میانه جدول آمار طلاق در میان کشورهای توسعه یافته قرار می‌دهد؛ جایی که آمریکا بالاترین نرخ طلاق را در آن دارد.

روال قانونی طلاق در کانادا

به‌طور کلی در کانادا برای انجام طلاق یا زوجین به توافقی برای شرایط انجام آن پیش از دادگاه می‌رسند، یا اینکه دادگاه در مورد مواردی که طرفین روی آن توافق ندارند، تصمیم می‌گیرد.

توافق برای جدایی توافقی است که به موجب آن طرفین در مورد حقوق قانونی و شرایط طلاق خود به نتیجه مشترکی می‌رسند. این توافق پس از صدور حکم دادگاه در تأیید آن لازم‌الاجرا می‌شود. البته دستیابی به توافق در پرونده‌ای که با عدم توافق طرفین به دادگاه کشیده شده باشد نیز از نظر قانونی ممکن خواهد بود. در صورتی که فردی خواستار دستیابی به توافق برای جدایی باشد، وکیل فرد با همسر یا وکیل او تماس می‌گیرد و برای مذاکره جهت رسیدن به توافق، پیشنهادی را ارائه می‌کند. سپس هر یک از طرفین با توجه به وضعیت مالی طرف مقابل چیزی شبیه گزارشی از وضعیت مالی آماده می‌کند. پس از آن، تلاش برای دستیابی به توافق مالی آغاز می‌شود. گفت‌وگو می‌تواند به‌طور مستقیم میان طرفین یا میان وکلای آنها باشد.

اما اگر طرفین برای شرایط طلاق توافق نداشته باشند، تصمیم‌گیری به دادگاه واگذار می‌شود. برای انجام پروسه رسمی دادگاه ابتدا باید درخواست طلاق و اعلامیه‌ای از وضعیت مالی خانواده تنظیم شود. این درخواست می‌تواند شامل مواردی چون حضانت فرزند، حمایت از فرزند، نفقه و تقسیم اموال باشد. سپس باید یک کپی از درخواست و شرایط درخواستی طلاق به همسر یا وکیل او تحویل داده شود. در پاسخ طرف مقابل باید تا سی روز یک پاسخ یا اعلامیه‌ای وضعیت مالی خود را به طرف درخواست‌کننده بدهد تا او به دادگاه ارائه کند. پاسخ همسر می‌تواند شامل موارد اختلاف در مورد شرایط طلاق نیز باشد. همچنین فرد درخواست‌دهنده تا فاصله ۱۰ روز می‌تواند پاسخ‌های خود را به شرایط جدید اعلام‌شده از طرف همسر خود به دادگاه اعلام کند. بعد از این یک جلسه مقدماتی در مورد پرونده برگزار می‌شود. در این جلسه که مرحله‌ای از رویه دادرسی است، به مواردی چون بازپرسی، برنامه‌ریزی و گذاشتن قرار با وکیل فرزندان پرداخته می‌شود. پس از این مرحله، طرفین باید مدارک خود را آماده کنند و در ادامه یک جلسه حل و فصل برگزار می‌شود. این جلسه یک ساعت پیش از دادگاه و با هدف آخرین تلاش برای دستیابی به توافق پیش از برگزاری دادگاه انجام می‌شود. اگر در جریان این جلسه توافقی به دست نیاید، این قاضی خواهد بود که در جلسه دادگاه به قضاوت در مورد پرونده دادگاه خواهد پرداخت. در پایان دادگاه اغلب چند ماه پس از آن قاضی تصمیم خواهد گرفت. البته این پایان کار نیست و امکان اعتراض به حکم وجود دارد؛ هرچند در قانون خانواده رسیدن به نتیجه‌ای متفاوت در دادگاه تجدیدنظر بسیار نادر است.

حضانت

حضانت با هدف اتخاذ بهترین تصمیم برای سرپرستی فرزندان در مواردی چون درمان، تحصیل، مذهب و... انجام می‌شود. در کانادا چهار شکل گوناگون حضانت فرزند وجود دارد: حضانت انفرادی که در آن حضانت به یکی از والدین واگذار می‌شود. حضانت دوطرفه که مسئولیت برعهده هردو نفر است. حضانت مشترک که در آن هریک از والدین باید دست‌کم ۴۰ درصد از زمان خود را با فرزند خود بگذارند. حضانت مساوی، در مواردی است که یکی از والدین مسئول حضانت یک یا چند فرزند و نفر دیگر مسئول حضانت یک یا چند فرزند دیگر است.

در سال ۲۰۰۲، ۲۸ درصد افرادی که طلاق می‌گرفتند، برای تعیین تکلیف فرزندان خود به دادگاه مراجعه کردند. درحالی که سایر افراد یا فرزندی نداشتند یا اینکه در این‌باره به توافق رسیده بودند. در این سال از ۳۵۰۰ کودک طلاق حضانت ۵/۴۹ آنها به مادر آنها رسیده است. این برای اولین بار در تاریخ کانادا بوده که حضانت فرزندان در درصدی تا این حد پایین به مادران رسیده است. مثلاً در سال ۱۹۸۸ در ۸/۷۵ درصد طلاق‌ها حضانت به مادر رسیده است.

در سال ۲۰۰۲ در ۵/۸ درصد از موارد حضانت به پدران رسید. بالاترین آمار رسیدن حضانت فرزند به پدر در سال ۱۹۸۶ با ۱۵ درصد موارد ثبت شده است.

دارایی در قانون طلاق

هرچقدر که به دارایی زوجین در طول ازدواجشان افزوده شده باشد، پس از طلاق به طور مساوی در بین آنها تقسیم می‌شود. البته خود اموال و دارایی‌ها تقسیم نمی‌شود، بلکه ارزش آنها محاسبه و تقسیم می‌گردد.

دارایی خالص خانواده در تقسیم اموال مورد محاسبه قرار می‌گیرد و هریک از طرفین که دارایی بیشتری از طرف دیگر دارد، می‌بایستی نیمی از مابه‌التفاوت دارایی خود را به همسر سابق خود پرداخت کند. اگر مدت زندگی مشترک کمتر از پنج سال باشد، فرد می‌تواند درخواست شرایط خاص و متفاوتی را برای تقسیم اموال از دادگاه داشته‌باشد.

در محاسبه دارایی خانواده برای تقسیم پس از طلاق مواردی چون هدایا، ارثیه و خسارت‌های دریافتی به علت صدمات جسمی مثلاً ناشی از تصادفات، محاسبه نخواهد شد.

نفقه

به‌طور کلی در کانادا اگر یکی از طرفین ازدواج پول بیشتری نسبت به طرف دیگر داشته باشد، باید نفقه پرداخت کند. هیچ فرمول ثابتی برای تعیین نفقه وجود ندارد و قضات بر اساس شرایط هر پرونده به‌طور خاص در این باره تصمیم می‌گیرند. فاکتورهایی چون درآمد زوجین، سن، سلامتی، استاندارد زندگی، شغل و طول دوران زندگی مشترک در تعیین نفقه نقش مهمی دارند.

در مورد مدت پرداخت نفقه، در شرایطی که زوجین زندگی مشترک طولانی را با هم تجربه کرده باشند یا فرزند داشته باشند، دادگاه معمولاً محدوده زمانی برای پایان پرداخت نفقه تعیین نمی‌کند. در شرایطی که وضع اقتصادی فرد پرداخت‌کننده نفقه تغییر کند، مثلاً بازنشستگی، فرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه خواستار قطع پرداخت نفقه شود. در مواردی که زندگی مشترک کوتاه بوده یا پای فرزندی در میان نیست، پرداخت نفقه معمولاً با تعیین محدوده زمانی انجام می‌شود.

دلایل ارائه درخواست طلاق

برای ارائه درخواست طلاق در دادگاه‌های کانادا، به طور معمول سه دلیل بدرفتاری، زنا و جدا زندگی کردن برای یک سال ارائه می‌شود.

حال این جدا زندگی کردن می‌تواند در یک خانه اما در اتاق‌های جداگانه اتفاق افتاده باشد. در این میان، جدا زندگی کردن برای یک سال دلیل اصلی طلاق در کاناداست. در نقطه مقابل اثبات بدرفتاری یا زنا در دادگاه روندی نسبتاً مشکل و پرهزینه است. نکته دیگر اینکه برای ارائه درخواست طلاق در کانادا محل تولد و محل انجام ازدواج اهمیتی ندارد. فرد اگر در خارج از این کشور ازدواج کرده باشد، با توجه به اینکه در هنگام درخواست طلاق ســاکن کاناداست، می‌تواند برای این کار به دادگاه مراجعه کند.

برچسب ها : طلاق ، طلاق در کشورهای دیگر



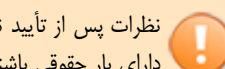
این مطلب را در شبکه های اجتماعی به اشتراک بگذارید :

نظرات کاربران

اولین فردی باشید که در مورد این مطلب نظر می دهید

نظر شما

نظرات پس از تأیید نمایش داده می شوند. نظرات ارسالی نباید حاوی عبارات نامناسب، توهین به نظام یا مقدسات و یا دارای بار حقوقی باشند.



نام و نام خانوادگی :

ایمیل :

نظر :

کد امنیتی :



لطفا عدد

چهاررقمی بالا را درون کادر وارد نمایید

ارسال نظر

کلیه حقوق این وب سایت محفوظ و متعلق به ماهنامه سپیده‌دانایی است.

تمامی کالاها و خدمات این فروشگاه حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت این سایت تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است.

